فصلنامه اخلاق در علوم و فنّاوری، سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲

پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای در "پروفشن‌های سنتی" "پروفشن‌های نوین" "پروفشن‌های دولتی"

دکتر داریوش فرهود*[۱و۲]

۱. دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۲.کلینیک ژنتیک تهران

(تاریخ دریافت: ۹۱.۰۱.۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۱.۰۸.۰۷)

چکیده

زمینه: هر چند، واژه پروفشن بطور عام، برابر حرفه و شغل قرار داده می‌شود، ولی در واقع پروفشن‌ها به حرفه‌های دانش بنیاد، همراه با تعهدنامه (سوگندنامه) و اصول و ملاحظات اخلاقی شدید و سنگین، گفته می شود. اعضاء پروفشن ها، افرادی هستند که به یک خدمت خیر رسان پرداخته و در برابر سازمان آموزش‌دهنده و تربیت کننده حرفه‌ای خود و نیز در برابر دریافت‌کنندگان خدمات خود، بر اساس آیین‌نامه داخلی یا "کداتیکز" آن پروفشن، متعهد و پاسخگو خواهند بود.

نتیجه‌گیری: افتراق پروفشن‌های سنتی، از پروفشن‌های نوین و پروفشن‌های دولتی، براساس تفاوت‌های تعریف شده در هر سه مورد، بسیار مهم و ضروری است که در این نوشتار، به آن پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: پروفشن‌های سنتی، پروفشن‌های نوین، پروفشن‌های دولتی، اخلاق حرفه‌ای

اَلعِلمُ عِلمان: عِلم الأبدان و عِلمُ الأدیان

رسول اکرم (ص)

سرآغاز

در زمان‌های قدیم، پروفشن‌های اصلی و سنتی، شامل پزشکی (همگی تخصص‌ها و رشته‌های وابسته مانند مامایی، پرستاری، مددکاری، داروسازی ...)، روحانیت که در واقع همان پرورش معنوی است (در همه درجات و سطوح) آموزش (از آموزگاری، دبیری، استادی تا مشاوره و پژوهشگری...)، قضاوت (شامل قاضی، وکیل، حسابرس...)، بعنوان خدمات ارجمند تلقی می‌شدند، یعنی خدمات حاصل کار ایشان، قابل خریداری و یا جبران مادی نبود(۱).

در آن دوران، اعضای پروفش‌های شریف، از راه پروفشن خود، کسب درآمد و گذران زندگی نمی‌کردند، بلکه این مشاغل ارجمند را بخاطر معنویت و ارزش آن خدمت عالیه، انجام می‌دادند و انتظار جبران مادی نیز نداشتند، زیرا امرار معاش آنها از حرفه‌های دیگری چون کشاورزی و صنعتگری بود.

بخوبی احساس می شود که از زمان مرسوم شدن پرداخت اجر و مزد برای چهار گروه شغلی شریف یاد شده در بالا، بشدت از معنویت، قداست و ظریب اثرگذاری آنها کاسته شده، بطوریکه امروزه بسیاری از شاغلان در مشاغل شریف یاد شده، با برقرار کردن مناسبات روزافزون مادی با دریافت‌کنندگان خدمات خود، (یعنی مخاطبان و کمک جویان) اشرافیت و معنویت خود را به میزان زیادی از دست داده‌اند. مردم و مخاطبان نیز به خریداری خدمات مشاغل شریفه، هم‌ارز با نجاری، آهنگری، کشاورزی و ... عادت کرده‌اند و در واقع حرمت‌ها با پول خریداری شده‌اند.

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: Farhud@sina.tums.ac.ir

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1392.8.1.1.8]

امروزه بیشتر صاحبان پروفشن ها ی اصیل و قدیم، دیگر به حفظ و پایش منافع کامل مراجعان خود نمی پردازند، بلکه، بفکر درآمد خود هستند و این رویکرد در تضاد با روح و اصالت "پروفشن" بمعنی درک ارزش ، ترجیح منافع و سود دیگران بر سود خود می‌باشد. (۲)

همزمان با صنعتی شدن و توسعه آموزش و همگانی شدن تحصیلات عالی و بوجود آمدن رشته های دانشگاهی، مشاغل گوناگونی نیز در سطح تخصصی و فوق تخصصی ساخته و تعریف شدند. همزمان و بموازات این شاخه های نوین از علوم و مشاغل موازین و ملاحظات و آئین های (کدهای) اخلاقی جدید نیز ساخته و پرداخته شدند که بدون تردید موجب سامان دهی اساسی در حرفه‌ای گری شده‌اند(۳). در مورد اصول اخلاقی برای هر کدام از این حرفه های نوین صدها مقاله، ده ها کتاب و بعضا چندین دانشنامه، تنظیم و تدوین شده‌اند. در آمریکا، بر اساس معیارهای ذکر شده در فهرست پروفشن‌های مهم، به ترتیب سیاستمدارانی مانند جرج واشینگتن، توماس جفرسن و آبراهام لینکن که همگی پیش از ورود به عرصه سیاست، نقشه بردار بودند، پس از آن، علوم پزشکی، حقوق و قضاوت، مهندسی عمران، ... قرار گرفتند.

هر چند پروفشن ها تابع آیینامه و چارچوب های رفتاری و خدماتی از پیش تعریف شده خود هستند (کد اتیکز سازمانی)، ولی چنین نیست که هر حرفه‌ای اگر منشور اخلاقی و کد اتیکز برای خود بنویسد، ولی هیچگونه الزام درونی و پایبندی معنوی به دادن خدمات مفید و جامعه پسند نداشته باشد، می تواند خود را پروفشن معرفی کند. (۱)

نه هر که چهره برافروخت، دِلبری داند
نه هر که آینه سازد، سِکندری داند
هزار نکته باریک ترزمو اینجاست
نه هر که سر بتراشد، قَلَندری داند

(حافظ)

اگر قرار بود هر گروه و سازمان با تنظیم آیینامه داخلی و سرسپردگی و اطاعت محض در آن گروه یا صنف، فعالیت خود را در قالب یک پروفشن تعریف کند، در این‌صورت کلیه سازمان‌های زیرزمینی و مخوف فراماسیونری، گروه‌های متعصب نژادپرست، فرقه های خرافاتی مذهبی، مافیاهای مواد مخدر، گروه‌های تروریستی، ... نیز می‌توانستند در جمع پروفشن‌ها قرار بگیرند.

اصل بر خدمت رسانی و فایده‌رسانی و در مجموع، معرفت، مهارت و معنویت است.

در قدیم، پروفشن های سنتی، حق و صلاحیت انتخاب کارآموز، ارائه آموزش و پرورش حرفه و در صورت کسب مهارت، توانایی، دانش و معرفت و اخلاق ویژه، اعطای درجه و عنوان لازم و در نهایت پذیرش فرد به عضویت آن پروفشن و البته در صورت خطای بزرگ، جریمه، جزا و حتی اخراج عضو ناصالح را داشتند.

در حال حاضر، تنها نمونه چنین شرایط و فضایی، بعنوان یک پروفشن تمام عیار، فقط در جامعه روحانیت دیده می‌شود که کلیه مراحل، از پذیرش طلبه تا مفاد دروس حوزوی، شیوه تدریس استاد حوزوی، مراسم عمامه‌گذاری، نظارت بر خدمات و جایگاه روحانی، برسمیت شناختن درجات و سلسله مراتب روحانیت، پایبندی و سر سپردگی عضو جامعه روحانی به الزامات درون گروهی و بالاخره وارسی خلاف و جرم احتمالی فرد روحانی در دادگاه ویژه روحانیت و در نهایت و بسیار به ندرت، خلع لباس و طرد از جامعه روحانیت، سرتاسر این روند، بدون دخالت دولتی، از زمان‌های بسیار قدیم تا بامروز بخوبی در جریان است.

این چنین خودگردانی و استقلال، در دیگر پروفشن‌های شریف (پزشکی، معلمی، قضاوت) دیده نمی‌شود، بلکه بصورت برنامه منظم از پذیرش دانشجو، پذیرش استاد، مفاد درسی، امتحانات پایانی، اعطای صلاحیت فراغت از تحصیل، ایجاد اشتغال، کاملاً در قالب دولتی درآمده است. هر چند در جامعه دانشگاهی، پزشکی و قضاوت، مراسم سوگند و گذاشتن کلاه مخصوص، بصورت نمادین انجام می شود، ولی اعضاء این جوامع، در مقایسه با آنچه که در جامعه روحانیت حاکم و جاری است، هرگز آن یک پارچگی، پایبندی و وابستگی به بدنه پروفشن و سازمان شغلی خود را ندارند.

در پروفشن‌های دولتی، جایگاه "تعهد شغلی و معنوی" اعضاء با "تعهد دولتی و کارمندی" عوض شده و "نوکری دولت" جای "خدمتگزاری ملت" را گرفته. از اینرو اعضای یک

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1392.8.1.1.8]

"پروفشن دولتی" مقید به خدمت و سود رسانی به دریافت‌کنندگان خدمات خود نیستند، آئین و عرف دولتی و نظامی، فرمانبرداری کارمند از دستور مافوق، حتی فراتر از قانون است، آن هم بدون "چون و چرا". (۲)

یک جامعه متعالی (مدینه فاضله) آنست که همگی افراد و اعضای آن، نفع جامعه را بر نفع شخصی خود مقدم بدانند و سود و خیر خود را در سود و خیر جمع، جستجو کنند.

پروفشن اصیل و واقعی دارای یک ترادف ساختاری، شامل دانش، شناسایی، برتری (مهارت، معرفت، فضیلت)، خودمختاری و خودگردانی است.

در واقع می بایست رسالت و پایبندی اعضاء پروفشن های اصیل و تعریف شده، حفظ منافع و اعتلای اعتبار و جایگاه پروفشن باشد، در حالیکه چنین رفتاری در پروفشن های دولتی دیده نمی شود و از شعار "اکرام ارباب رجوع" فقط بصورت یک تعارف رایج و دلپذیر و آرام‌بخش، استفاده می‌شود.

توجه ویژه به حقوق مراجعان و ایجاد فضای اعتماد به خود و حرفه، برقراری مناسبات تعریف شده و مستحکم بین دهندگان و گیرندگان خدمات، موجب آرامش و اطمینان بین افراد جامعه، حفظ حقوق اجتماعی و اعتلای منافع ملی می‌شود.

فراگیرترین سازمان برای اِعمال و نظارت بر اجرای قوانین عادلانه، دولت های برگزیده مردم هستند و در چنین صورتی، دولت اجازه تجاوز به حدود و حقوق مردم را به هیچ فردی نخواهد داد و در اینجا بگفته **هِگِل، "مردم و افراد آزاد، آنهایی هستند که از چنین نظام اجتماعی، سیاسی و حکومتی، تمکین و نگهداری کنند".**

در برخی جوامع ناآگاه و بدون مشارکت فعال طبقه خواص و نخبگان در بوجود آمدن، ساختار و رشد یک دولت آرمانی، ترکیب و اساس دولت، حکومت اکثریت (عوام) بر اقلیت (خواص) خواهد بود که می تواند منجر به حاکمیت "پوپولیسم" بر "پروفشنالیسم" شود، که آن به معنی برتری "عوام سالاری" بر "تخصص سالاری" است، که بعضاً در تناقض با برخی اصول "پروفشن" است.

در ایران پس از مشروطیت و رسیدن امواج نوگرایی و آزادیخواهی غرب به ایران، "پروفشن روحانیت" تنها سازمان مردم نهاد (NGO) بود که توانست در برابر این سونامی، تاب بیاورد و حتی به پایه‌گذاری یک حکومت/ دولت مذهبی بپردازد.

این اتفاق بزرگ از عهده پروفشن‌های دیگر، مانند پزشکی، آموزش و پرورش، قضاء برنمی‌آمد. البته نمونه های "مذهب های حکومتی" در جهان زیاد دیده شده ولی نمونه یک "حکومت مذهبی" فقط در کلیسای کاتولیک تجربه شده بود که بقایای کم‌رنگ آن هنوز هم در واتیکان دیده می‌شود.

در تاریخ ایران، حکومت دینی در زمان ساسانیان، صفویان و قاجاریه تجربه شده بود ولی در آن نمونه‌ها روحانیون (زرتشتی و یا اسلامی) پُشت صحنه سیاست و حاکمیت قرار گرفته بودند و نه بعنوان حاکم اصلی.

اگر اصلی‌ترین ویژگی یک پروفشن را "خودگردانی" کامل و بدون وابستگی به هیچ نظام دیگری، چه دولتی و چه سرمایه‌داری، در نظر بگیریم، در اینصورت یک "پروفشن دولتی" دارای نقاط ضعف و آسیب‌پذیری، به قرار زیر خواهند بود:

۱- در پروفشن‌های سنتی و نوین تعریف شده، همگی افراد، همواره کوشش در اعتلای جایگاه و منزلت پروفشن یا انجمن خود دارند، در حالیکه در پروفشن های ساختگی یا دولتی، چنین وابستگی و تعهدی دیده نمی شود، که این ممکن است بتدریج موجب سقوط اخلاقی آن پروفشن یا دولت شود.

۲- از آنجاییکه در پروفشن های واقعی، یک یک افراد احساس (حتی الزام) به سرسپردگی به بدنه پروفشن دارند، در پروفشن های ساختگی دولتی، چنین تعصب و تعهدی دیده نمی‌شود.

۳- اگر اصلیت یک پروفشن را ترجیح دادن منافع دیگران (دریافت‌کنندگان، مراجعه‌کنندگان...) بر منافع افراد پروفشن بدانیم، در پروفشن های دولتی، نوکران دولت، منافع دولت (ولی بیشتر منافع شخصی خود) را جایگزین منافع ملت می‌کنند که در چنین صورتی، با تنزل مرتبه پروفشن (از نوع دولتی) اعتماد مراجعان به آن پروفشن و یا بدنه دولت، بتدریج از دست خواهد رفت.

۴- با سقوط مستمر پروفشن‌ها، همزمان انگیزه و اعتماد مردم نیز ساقط شده و رشوه گیری، رانت خواری،

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1392.8.1.1.8]

اختلاص، زورگیری رواج می‌یابد و این به معنی کاهش "اعتماد ملی" و باین ترتیب از دست رفتن "سرمایه اجتماعی" یا همان "سرمایه ملی" خواهد بود.

منابع

۱. فرهود، داریوش. *آیا پروفشن، همان کسب و کار و حرفه است؟* فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری سال دوم، شماره‌های ۳ و ۴، ۱۳۸۶

۲. حسینی، داوود. فرق پروفشن آزاد با پروفشن دولتی، (در دست انتشار)

۳. فرهود، داریوش. مروری بر تاریخچه اخلاق، همراه با گردآوری زمینه های گوناگون اخلاق، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره‌های ۱ و ۲، ۱۳۸۶.

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1392.8.1.1.8]